

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش

۰۹ مارچ ۲۰۱۷

سرود پنهان

در کنارم بمان ای راز نهفته
در کنارم بمان ... ای کلاف درد های نگفته
در کنارم بمان... بمان ای مرد

می شناسم تورا به کار

تورا در لحظه های سرد زمستان
تورا در رگبار تگرگ و در باران
تورا در شرجی تب دار و خوشه چینی خرما
تورا در نفیر بی سرو سامانی و در گرما

تورا در طوفان ... سید ماهی و صدف در ته دریا
تورا غرق در اندوه خاطرات یک رؤیا
تورا در سایه سرووار یک فریاد
تورا در عصیان ... به آنچه دامن بر باد

تورا در اوج معضلات لاینحل
تورا در میان برهای کج و لایعقل
تورا در اعتصاب... بستن لوله های نفت
تورا در خط مقدم آنچه که بر ما رفت

تو را در تنگنای فقر و در آزار
تو را در هجوم گرگ ها در بازار
تو را در تلاش در کنار کوره داغ
تو را در اضطراب نان و نور چراغ

تو را در بن بست استثمار و سگ هار
تو را در اعتراض به فشار استثمار
تو را در اعماق زندان های نمود
تو را پنجه در پنجه با سلطه زور

تو را که بره وار بردنت به مسلخ جنگ
تو را که در ازل ... مسلخ به پاره سنگ
تو را در اخراج از کار و فضای مسموم بیکاری
تو را در قربانگاه اعتیاد... پوچی و بیعاری

تو را خریدار... در دکان بی عشق یک هم آغوشی
تو را در فرار ز تلخی ها و ورطه فراموشی
تو را در به در... در گریز از جنگ و به جست و جوی پناه
تو را در تحقیر و اسارت... تجاوز جانکاه

تو را در باور قوانینی که مالکت کرده
تو را در پذیرش سالاریت که من برده
تو را ای مرد... که صبور بار غم برده
تو را که زخم کاری ز مالکان خورده

تو را که در راستای عدالت ... هنوز ایستاده
تو را که پرچم ... ز دستانت فرو نیفتاده
تو را ای سرود پنهان تلخی های کهن
تو را ای درخت غرور فراز رنج و محن

تو را شناختم ای مرد کار... از ازل تا به کنون
تو را به بن بست ... و سرمایه مجهز به تازه فنون
زبان من قاصر از قصه غصه های تو در یاد
غصه هائی که عمر کوتاه تو می دهد بر باد

تو نیز مرا در یاب ... که مضروب تبعیض
تو نیز مرا دریاب ... که چون تو ز رنج لبریزم
من و تو... بار باروت در انفجار غمیم
گر در رد بطلان ها ... شانه بر شانه هم بنهیم

بن سرمایه ... ریشه های نوین دوانیده
بی حریم و هراس ... شاخ و برگ گسترانیده
گلوبان می فشارد ... دست جهانی استعمار
قلوبان می فشارد ... پای آهنین استثمار

می گشاید هر دم به حيله درى ... امپراتور سرمایه
اهداف فرتوت... نقاب نو و وعده های بی مایه

گر نخیزیم با وحدت مان به جهان
گر نجوئیم ره پیوند از برون به نهران
بردگان فردا ... سپاه اضدادیم
حک بر سینه هایمان شماره ... اعدادیم

در کنارم بمان ... ای راز نهفته
در کنارم بمان ... ای کلاف درد های نگفته
در کنارم بمان ... بمان ای مرد

وین ۲۰۰۴/۳/۸

کتاب ۵